**درس خارج اصول استاد سید محمد جواد شبیری(دام ظله)**

**جلسه357 – 09/ 09/ 1399 اصاله الثبات /مقدمات /استصحاب**

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

## مقایسۀ استصحاب با استصحاب قهقرائی در کلام شهید صدر

مرحوم صدر به تناسب بحث استصحاب، استصحاب را با برخی از قواعد مشابه آن مقایسه نموده اند که از جملۀ این قواعد استصحاب قهقرائی است که واقعش همان اصاله الثبات در لغت است.

اقایان در توضیح اصاله الثبات می فرمایند که اگر معنایی را بعنوان معنای موضوع له در زمان حاضر بدست آوردیم اصل این است که همین معنا در زمان صدور برای این لفظ ثابت بوده است و میفرمایند فرق بین استصحاب با اصاله الثبات یا همان استصحاب قهقرا در زمان متیقن و مشکوک است چون در استصحاب متقین در زمان سابق و مشکوک لاحق است ولی در استصحاب قهقرائی بالعکس است.

شهید صدر می فرماید این مطلب درست است ولی با تأمل روشن میشود که اساساً استصحاب قهقرائی نداریم چون اصل این که عقلاء به چنین اصلی قائل اند بر این پایه استوار است که عقلاء تغییرات لغت را بسیار کند میبینند و این کندی باعث میشود معنای فعلی را به سابق برگردانند و تحلیلش این است که این کندی تغییر، باعث میشود بگوئیم اگر یک لغت نامشخص یک معنایی در زمان سابق داشته باشد این معنا در زمان لاحق نیز خواهد بود و نکته اش ندرت تغییر معانی لغات است و از سوی دیگر این اصل عدم تغییر یک اماره بوده و بالتبع مثبتاتش نیز حجت است حال اگر معنایی را در زمان حاضر پیدا کردیم این اماره باعث میشود بگوئیم این معنا در زمان سابق نیز بوده است؛ پس حقیقت استصحاب قهقرائی همان استصحاب است البته بعنوان یک اماره عقلائی بدون اتخاذ از روایات مربوط به استصحاب با این ضمیمه که لوازم امارات نیز حجت است و این یک تحلیل منطقی برای استصحاب قهقرائی است انتهی.[[1]](#footnote-1)

## تحلیل ایت الله العظمی شبیری در مورد اصاله الثبات فی اللغه

حاج اقای والد اصاله الثبات فی اللغات را به عنوان یک امارۀ ظنیه ای که بر پایه حجیت ظن استوار باشد قبول ندارند و میفرمایند این اصل در میان عقلاء بر پایۀ اطمینان است مگر در مواردی که انسداد جاری شود و مثلا از باب انسداد صغیر ظن در آن حجت شود . توضیح ایشان این است که این که میبینیم یک لغت در استعمالات مختلف و اشکال گوناگون، در همان معنایی بکار رفته که ما هم اکنون به کار می بریم و این ترکیبات معنا دار مشترک، نمی تواند تصادفی باشد و این نکته اش وحدت معنایی است که در لغت وجود دارد و الا اگر وحدت معنایی نداشت نمیتوانست در این دامنۀ گسترده از استعمالات، با ترکیب فعلی هم معنا شود و نهایتا می توانست در برخی موارد با ترکیب فعلی متحد المعنا شود.

## تحلیل استاد در مورد اصاله الثبات فی اللغات

در بحثهای زبان شناسی قواعدی شبیه همین البته با پیچیدگی بیشتر برای فهم زبانهای ناشناخته بکار میرود و در واقع شبیه یک پازل است که از مجموع آن یک اطمینانی نسبت به آن لغت حاصل میشود.

اگر هم ما قائل به اطمینانی بودن نباشیم و آن را ظن آور بدانیم نکته اش صرفا بحث کندی تغییر نیست و نکتۀ اصلی این استدلال این است که اگر این لغت تغییر کرده باشد باید خودش را در این استعمالات متنوع نشان دهد و چیزی شبیه لو کان لبان است لذا باعث ظن به اتحاد معنا میشود.

با توجه به این مطلب نکتۀ اصاله الثبات ربطی به استصحاب نداشته و صرفا بعد الفحص قابل استناد میباشد و باید این واژه را در روایات مختلف دنبال کنیم.

### عدم حجیت مثبتات امارات بقول مطلق

نکتۀ دیگر این است که حجت دانستن مثبتات امارات بقول مطلق ناتمام است چرا که امارات ولو از باب کاشفیت ظنیه حجت شده است ولی معنایش تمام العله بودن کاشفیت نیست بلکه یک نوع انسداد نوعی باب علم در حجیت اماره دخالت دارد همانطور که شیخ انصاری در باب حجیت قول لغوی می فرماید ظنون خاصه نوعا به مناط انسداد حجت هستند و الا وجهی ندارد که با انفتاح باب علم در نوع موارد عقلاء به ظن عمل کنند لذا عقلاء چون در غالب موارد علم یا به تعبیری علم عرفی یا همان اطمینان پیدا نمیکنند خود را نیازمند به حجیت ظن مبینند.

### ذکر مثال برای بیان علت تامه نبودن کاشفیت و دخالت انسداد در اعتبار اصول عقلائی

یک بحثی در اصول لفظیه هست که آقایان می گویند اصل لفظی در جایی که مستعمل فیه را بدانیم و شک در موضوع له داشته باشیم جاری نمیشود بلکه مجرای آن علم به موضوع له و شک در مستعمل فیه است یا به تعبیر دیگر مجرای اصاله الحقیقه و امثال آن شک در مراد است نه علم به مراد و شک در کیفیت اراده.

حال این سئوال مطرح می شود که اگر اصول لفظیه اماره اند چرا مثبتاتش حجت نباشد یعنی همان مقدار کاشفیتی که این اصل لفظی برای تعیین معنای مستعمل فیه دارد، در تعیین موضوع له نیز دارد.

پاسخ مطلب این است که برای کشف موضوع له یک سری راه وجود دارد که عقلاء می توانند بوسیلۀ آن موضوع له را کشف کنند مانند تبادر و اطراد و صحت حمل و ... لذا انسدادی در کشف معنای موضوع له وجود ندارد تا به اصول لفظیه نیاز داشته باشند بخلاف تعیین معنای مستعمل فیه که برای کشف آن راهی جز این اصول لفظیه نیست.

در ما نحن فیه نیز اگر لفظی در زمان سابق معنایی داشته و نمیدانیم هم اکنون نیز این معنا را دارد یا نه میتوانیم به علائم و راه های کشف معانی الفاظ مراجعه کنیم مانند تبادر و ... ولی این که در زمان صدور تبادر و ... به چه شکل بوده برای ما قابل احراز نبوده لذا ما برای کشف معنای موضوع له زمان صدور با یک انسداد نوعی باب علم مواجه هستیم . با این بیان در جایی که معنای موضوع له زمان حاضر را نمیدانیم دیگر نیازی به بیان شهید صدر که تمسک به غلبه و کندی تغییر لغت است نداریم چون میتوانیم به علائم کشف معنای حقیقی مراجعه نموده و معنای فعلی را کشف کنیم لذا ملازمه ای نیست بین اصاله الثبات و این که اگر معنای زمان صدور را دانستیم بگوئیم این معنا هنوز هم ثابت است لذا به نظر میرسد نکتۀ اصاله الثبات امری غیر از فرمایش شهید صدر است.

## اصاله الثبات فی الظهور

به تناسب این بحث، بحث دیگری را ضمیمه میکنیم و آن این که شبیه اصاله الثبات فی اللغات اصل دیگری به نام اصاله الثبات فی الظهور داریم به این معنا که اگر لفظی در زمان حاضر ظاهر در معنایی خاص است اصل این است که دزمان صدور نیز ظهور در این معنا داشته است که این مربوط به مرحلۀ استعمال است نه مرحلۀ وضع و علت این اصل این است که اگر قرینه ای بر خلاف ظهور فعلی وجود داشته باشد و راوی آن را نیاورده باشد خلاف وثاقت وی خواهد بود لذا به اقتضای وثاقت راوی می توانن گفت هر آنچه دخیل در ظهور بوده نقل شده لذا عدم نقل راوی یک نوع شهادت سلبیه تلقی میشود .

### اشکال شهید صدر به الغای احتمال وجود قرائن عامه و پاسخ به آن

این جا شهید صدر می فرماید این نکته در مورد قرائن لفظیه یا قرائن حالیه خاصه درست است ولی در مورد قرائن حالیه عامه ای که عرف از تأثیر آن در شکل گیری ظهور غفلت دارد خلاف وثاقت راوی نیست که آن را نقل نکند چون اساسا عرف متعارف متوجه آن نمیشود تا آن را نقل کند. ایشان بحث را چندان دنبال نکردند که بهر حال با این قرائن عامه په باید بکنیم.

برخی از اساتید فرمایش شهید صدر را پذیرفته و به این احتمال دار صورتی که قابل توجه باشد اعتنا نموده و به آن ترتیب اثر دادند ولی به نظر میرسد اگر قرار باشد با صرف احتمالات وهمیه وجود قرینه عامه دست از ظهور بکشیم سنگ روی سنگ بند نمیشود لذا عقلاء به این احتمالات اعتنا نمیکنند چون معنای این حرف دست کشیدن از حجیت احادیث است در حالی که اصل حجیت این ادله برای تمام اعصار و جاودانگی این دین مفروض و مسلم است . بله ممکن است در جایی که شاهد ظنیه ای بر وجود چنین قرائن عامه ای باشد دست از حجیت ظهور بکشیم ولی به مجرد این احتمال نمتیوان از حجیت دست برداشت چرا که دامنۀ این احتمال بسیار گسترده است و باعث کنار گذاشتن این ادله است.

## مقایسۀ قاعدۀ یقین و استصحاب در کلام شهید صدر

شهید صدر بین استصحاب و قاعدۀ یقین نیز مقایسه ای انجام داده اند و می فرمایند آقایان میگویند در استصحاب متیقن و مشکوک در دو زمان اند و خود یقین و شک در زمان واحد ولی در قاعدۀ یقین متیقن و مشکوک در زمان واحد اند و خود یقین و شک در دو زمان.[[2]](#footnote-2)

ایشان می فرماید این مطلب درست است ولی نیاز به تکمیلی دارد که در جلسۀ آینده بدان می پردازیم.

اجمالا عرض کنم که در شریعت چیزی شبیه قاعدۀ یقین وجود دارد که همان قاعدۀ فراغ و تجاوز ابست که در موارد خاصی جعل شده است.

1. مباحث الاصول ج5 ص27 [↑](#footnote-ref-1)
2. مباحث الاصول ج5 ص27 [↑](#footnote-ref-2)